



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۴ - ۲۴ جمادی الاول ۱۴۴۷
سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۴۵۱ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سرمقاله

دکترین ابهام و پیش‌بینی‌ناپذیری



محمد جواد اخوان

مدیر مسئول

امروزه در معماری استراتژیک روابط بین‌الملل، «دکترین ابهام و پیش‌بینی‌ناپذیری» به‌عنوان یک سلاح استراتژیک سطح بالا عمل می‌کند. کشورهایی از این دکترین استفاده می‌کنند که می‌کوشند در میدان نابرابر تقابل‌های ژئوپلیتیک، نقاط ضعف ساختاری را به فرصت‌های راهبردی تبدیل کنند. با درک این واقعیت که جمهوری اسلامی ایران در تقابلی ناهمتر از نظام سلطه به سرکردگی ایالات متحده امریکا و رژیم‌صهیونیستی قرار دارد، این پارادایم به‌صورت آگاهانه باید در کانون دکترین امنیت ملی کشور جای گیرد. این رویکرد با نظریه «بازدارندگی از طریق انکار» و استراتژی «حیات در سایه» که توسط اندیشمندان حوزه امنیت بین‌الملل مطرح شده، همخوانی دارد.

در شرایطی که دشمن از مزیت برتری اطلاعاتی و فناوریانه برخوردار است، شفافیت استراتژیک می‌تواند به خودتخریبی و تقویت قدرت تحلیل و پیش‌بینی حریف بینجامد. در مقابل، «ابهام عمدی» با ایجاد فضایی از عدم قطعیت، سه دستاورد کلیدی را محقق می‌سازد: مهار قدرت تحلیل دشمن با مختل کردن زنجیره جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل، تصمیم‌گیری و عمل؛ افزایش هزینه‌های تصمیم‌گیری برای رقیب؛ بازدارندگی او به برنام‌ریزی برای سناریوهای متعدد؛ و تقویت بازدارندگی از طریق ترس از ناشناخته‌ها که تمایل به تهاجم را در دشمن کاهش می‌دهد.

در نقطه مقابل ابهام راهبردی، شفافیت قرار دارد که در شرایط نابرابری اطلاعاتی، در واقع امتیاز رایگان دادن به حریف است. اطلاعاتی که حریف برای کسب آنها باید میلیاردها دلار و حتی به قیمت جان نیروهایش هزینه کند، چرا باید به‌منابه جایزه خصومت در یافت کند؟ رهبر معظم انقلاب اسلامی پیش‌تر در مورد شفافیت در حوزه راهبردی فرموده‌اند: «در جنگ و مسائل جنگ و مسائلی که با دشمن طرف هستیم، اینجا نمی‌شود حرف‌ها را زده چون حرف را وقتی که گفتیم، شما شنستی، دشمن هم می‌شنود. بله در این مسائل حرب - حرب، به‌عم از همین حرب به‌اصطلاح نظامی و مانند اینها است- در مسائل امنیتی، در مسائل نظامی، در مسائل گوناگونی که جنگ داریم با دشمن، مقابله با دشمن داریم، به‌اینجا جای افشاجاری نیست، جای شفافیت نیست»

اگر ابهام استراتژیک به «ناشناخته بودن توانمندی‌ها و نیات» مربوط باشد، پیش‌بینی‌ناپذیری استراتژیک به «غیرقابل پیش‌بینی بودن کنش‌ها و واکنش‌ها» در محینه عمل می‌پردازد. این مؤلفه، محاسبات و مدل‌های ریاضی دشمن برای پیش‌بینی رفتار را با چالش مواجه می‌کند. پیش‌بینی‌ناپذیری، متغیرهای تصمیم‌گیری را به‌صورت نامیسی افزایش می‌دهد، قابلیت برنامه‌ریزی راهبردی بلندمدت را تقلیل می‌دهد و با خلق موقعیت‌های غیرمنتظره، ابتکار عمل را به مزیت برای طرف ضعیف‌تر تبدیل می‌کند. رمز موفقیت ما در بسیاری از منازعات راهبردی تاکنون همین اصرار بر پیش‌بینی‌ناپذیری برای دشمن بوده است. هراندازه که ما برای دشمن پیش‌بینی‌ناپذیر باشیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که طرح‌های دشمن با خطاهای محاسباتی و اقدامات بعدی آن با تأخیرهای مکرر همراه خواهد بود. نکته نهم فرصت بی‌نظیری برای توسعه میدان تصمیم و عمل خودی و گرفتن ابتکار عمل در دست ما فراهم می‌آورد.

اجرای موفق این دکترین نیازمند تحولی همه‌جانبه در ساحت‌های مختلف حکمرانی و امنیت ملی است. در حوزه نظامی و دفاعی، طراحی رزمایش‌های خلاق (و نه لزوماً رهنمایی از درایی‌های راهبردی) و توسعه توانمندی‌های نامتقارن ضروری است. در حوزه دیپلماسی و مذاکره، شفافیت به کالایی ارزشمند تبدیل می‌شود که تنها در ازای کسب امتیازات متقابل قابل معامله است. در حوزه اقتصادی و اجتماعی نیز تدوین مدل‌های اقتصادی مقاوم و انعطاف‌پذیر برای مقابله با تحریم‌ها موردنیاز است.

طبیعی است که حامیان نظریات بر خاسته از رهیافت‌های لیبرال که توهماتی را درباره صلح‌پسری دارند، با ساده‌انگاری توسعه شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری را یک مزیت توسعه قلمداد کنند. این توصیه نادرستی است. این راهبردها موانع قدرت را نه رادر مدار وابستگی به یک بر قدرت تعریف کرده‌اند، کاربرد دارد و کشور‌های مستقل که به نظم ناعادانه جهانی معتزلی‌اند، نمی‌توانند از آن تبعیت کنند.

در نظم بین‌المللی کنونی که قدرت‌های بزرگ از انحصار فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی برخوردارند، دکترین ابهام و پیش‌بینی‌ناپذیری برای بازیگران چالش‌گر یک ضرورت استراتژیک اجتناب‌ناپذیر است. این راهبردها موانع قدرت را نه از طریق تقلید از مدل‌های دشمن، که با بازتوسیه قواعد بازی و تغییر معماری میدان نبرد برقرار می‌سازد. پیاده‌سازی موفق این دکترین، هنر تبدیل تهدیدهای نامتقارن به فرصت‌های بازدارنده و تثبیت‌کننده امنیت است که نشان از بلوغ فکر و عمق راهبردی یک نظام سیاسی دارد. حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ أَظْهَرَ عِدَاؤَهُ لَعَلَّ قُلَّ كَيْدُهُ» هر که تخاصم خود را آشکار سازد، اقدرت! نیزنگش کاستی گیرد.

جریان‌های نزدیک به مقاومت برای سومین دوره متوالی پیروز انتخابات پارلمانی شدند

یکه‌تازی جبهه شیعیان در انتخابات عراق

شمارش نهایی آرای انتخابات پارلمانی عراق نشان داد که جریان‌های شیعی نفوذ خود را در صحنه سیاسی و امنیتی کشور تثبیت کردند. این نتایج پیام روشنی به بازیگران خارجی به‌ویژه امریکا دارد که تصمیم‌گیری و سرنوشت ملی عراق در دست مردم است! صفحه ۱۵



■ **کمیته سیاسی جبهه اصلاحات به خاتمی گزارش داده است که «ایران در یکی از خطرناک‌ترین مقاطع تاریخی خود قرار دارد و دولت در مدیریت شرایط ضعف جدی دارد».** **بحران‌نمایی این جبهه سابقه‌ای به قدمت ظهور جبهه دارد.** **این کمیته که اتفاقاً در این گزارش، به ضرورت همراهی با جوانان اشاره دارد، نمی‌داند که نسل‌های تازه نیاز به امیدآفرینی دارند، نه بحران‌نمایی. کسی که می‌خواهد با جوانان و زنان همراه شود، اگر تفهمد که نمی‌تواند با بحران‌نمایی آنان را جذب کند، بهره‌ای از عقل سیاسی نبرده است و کمیته سیاسی اصلاح‌طلبان چنین‌اند**

کمیته سیاسی جبهه اصلاحات- شاید برای بار صدم در سه دهه اخیر- ایران را در «برهه حساس کنونی» تشخیص داده است. در سرمقاله اخیر در تحلیل پیشنهاد‌های جدید اصلاح‌طلبان به رئیس‌جمهور برای استعفا و تهدید مکرر او نوشتیم که این پیشنهادها بیشتر با هدف بحرانی‌نشان دادن اوضاع کشور و به‌نوعی پیش‌بردن اهداف غیرملی و شخصی‌سازی‌شده اصلاح‌طلبان است. دو روز بعد از آن سرمقاله دوباره خبر آمده که کمیته سیاسی جبهه اصلاحات است؛ و اصلاح‌طلبی امروز دیگر نمی‌تواند همان الگوی دهه هفتاد باشد، چون آن گفتمان بر پایه امید و اعتماد شکل گرفته بود، اما اکنون شرایط به‌شدت تغییر کرده است. جبهه اصلاحات باید در کنار زنان، جوانان، کارگران، معلمان و گروه‌های مختلف اجتماعی بایستد و اشتباهات گذشته را بپذیرد.

ساختن «موقعیت بحرانی» یکی از اصول و تکنیک‌های ثابت اصلاح‌طلبان در سه دهه گذشته بوده است. اکنون نیز دقیقاً همان راه را می‌روند یا اینکه حتی در گزارش خودشان به خاتمی اذعان می‌کنند که راه را اشتباه رفته‌اند. ممکن است گفته شود اذعان و اشاره به بحران‌ها و ناآرامی در ادبیات نیروهای حامی نظام و درون حاکمیت هم کم نیست. لذا شاید در ادامه بتوانم تفاوت تفسیری را که به وجود «مسئله» اعتراض می‌کند تا با اصلاحات اساسی و واقعی آن را حل کند، با کسی که می‌خواهد «مسئله» را تغییر دهد، روشن کنم.

در سیاست، هر جریان‌نمایی تازه خود می‌گویند «باید در کنار زنان، جوانان، کارگران، معلمان و گروه‌های مختلف اجتماعی بایستیم». این شاید اعترافی ضمنی باشد به اینکه در گذشته راهی به اصطلاح روشن‌فکرانه و جدای از مسیر مردم رفته‌اند. اگر به جای القای موقعیت کاذب بحرانی در طول حیات اصلاح‌طلبی که نتیجه آن بدبینی نسل‌های تازه به سیاست‌های کلی بود، کنار مردم می‌یستادند، جایگاه اجتماعی خود را تا این حد فانی نمی‌پایند اما با روش اشتباه، هویت و مفهوم وجودی خود را متزلزل کردند.

در سیاست، هر جریان‌ زمانی که در قدرت سهم محدودی دارد یا از ساختار رسمی کنار گذاشته شده است، معمولاً تلاش می‌کند شدت بحران را بر جسته کند تا نقش خود را چونان «نیروی جایگزین» یا «راه‌حل» بهتر، پررنگ‌تر جلوه دهد، بعلاوه حاکمیت را به پذیرش اصلاحات یا تغییرات مدنظر خود وادار کند، و هزینه نادیده گرفتن خود را افزایش دهد. اما تاکنون بارها برخی اصلاح‌طلبان معروف اعتراف کرده‌اند که هرگز کاملاً خارج از قدرت نپرونده‌اند و برخی اذعان کرده‌اند که سی سال قدرت اجرایی در دست آنان بوده است. پس به نظر می‌رسد آنها چیزی بیشتر از این می‌خواهند که مدعای آن را دارند. در حالت اول، می‌توان پذیرفت بزرگ‌نمایی خطر یا بحران لزوماً به معنای «فریب» نیست، بلکه ابزار رایج سیاسی برای بازتعریف موقعیت قدرت است. اما در حالت دوم، نه!

وقتی می‌گویند «اصلاح‌طلبی دیگر نمی‌تواند همان الگوی دهه هفتاد باشد»، در عمل تلاش می‌کننداز گذشته‌ای که بخشی از جامعه به آن نقد دارد فاصله بگیرند، خود را جریان جدید، منطقی و همدل با جامعه معرفی کنند، و

یادداشت سیاسی

سیدعبدالله متولیان

اعتراف خونین

اعتراف رئیس‌جمهور امریکا (آنجا که با صراحت می‌گوید «حمله ۱۳ ژوئن اسرائیل به ایران نه تنها با اطلاع واشینگتن انجام شد، بلکه من شخصاً در رأس این عملیات بودم») کلیدی برای گوشودن درجبه‌ای تاریک بر استراتژی ثابت یک ابرقدرت بود. این سند، زنده بر گذار واشینگتن از استراتژی «فشار حداکثری» به پارادایم «تجاوز سازمان‌یافته» است. اعتراف مذکور، از منظر حقوق بین‌الملل، سندی ارزشمند محسوب می‌شود. این اظهارات، مسئولیت مستقیم واشینگتن را در برنامه‌ریزی و اجرای یک تجاوز نظامی ثابت می‌کند! **صفحه ۲**

یادداشت سیاسی

فائزه سادات یوسفی

ماهیت اسرائیل بدون امریکا

رژیم‌صهیونیستی واجد هویتی برای تقابل با جبهه مقاومت نیست و تجاوزات و ویرانگری‌های آن علیه کشورهای منطقه، محصول اراده، عمل و تأمین امریکا بوده است. در واقع، رژیم‌صهیونیستی بازوی منطقه‌ای برای تحقق اهداف سیاست خارجه امریکا و فاقد موجودیتی مستقل در حد یک تشکیلات سازماندهی دولتی شده است. دستپاچگی و حضور مضطربانه سران امریکا در سرزمین‌های اشغالی دقیقاً بعد از عملیات ۱۷ اکتبر، عمق این وابستگی تاکتیکی، روانی و مادی را به نمایش گذاشت **صفحه ۲**

یادداشت بین‌الملل

هادی محمدی

شگفتی‌های انتخابات عراق

مشارکت ۵۶درصدی در انتخابات که نزدیک به ۲۰ درصد رشد نسبت به دوره گذشته را نشان می‌دهد حاصل سه برابر شدن مشارکت شهروندان شیعی در استان‌های عراق و یکی از این شگفتی‌هاست. شگفتی مهم و راهبردی دیگر مشارکت گروه‌های شیعی طرفدار مقاومت است که حداقل ۶۰ درصدی را به خود اختصاص داده‌اند و بقیه گروه‌های شیعی در اطار تنسیقی (چارچوب هماهنگی) نیز باید به همین صفت مقاومتی تعریف شوند که پیام روشنی به امریکا و بقیه مداخله‌گران خارجی در عراق خواهد داشت! **صفحه ۱۵**

بین‌الملل

جریان‌های نزدیک به مقاومت برای سومین دوره متوالی پیروز انتخابات پارلمانی شدند

یکه‌تازی جبهه شیعیان در انتخابات عراق

شمارش نهایی آرای انتخابات پارلمانی عراق نشان داد که جریان‌های شیعی نفوذ خود را در صحنه سیاسی و امنیتی کشور تثبیت کردند. این نتایج پیام روشنی به بازیگران خارجی به‌ویژه امریکا دارد که تصمیم‌گیری و سرنوشت ملی عراق در دست مردم است! صفحه ۱۵



■ **کمیته سیاسی جبهه اصلاحات به خاتمی گزارش داده است که «ایران در یکی از خطرناک‌ترین مقاطع تاریخی خود قرار دارد و دولت در مدیریت شرایط ضعف جدی دارد».** **بحران‌نمایی این جبهه سابقه‌ای به قدمت ظهور جبهه دارد.** **این کمیته که اتفاقاً در این گزارش، به ضرورت همراهی با جوانان اشاره دارد، نمی‌داند که نسل‌های تازه نیاز به امیدآفرینی دارند، نه بحران‌نمایی. کسی که می‌خواهد با جوانان و زنان همراه شود، اگر تفهمد که نمی‌تواند با بحران‌نمایی آنان را جذب کند، بهره‌ای از عقل سیاسی نبرده است و کمیته سیاسی اصلاح‌طلبان چنین‌اند**

قوه مجریه است، در جایگاه دلسوزی برای کشور چنین می‌گویم. اصلاح‌طلبان با وجود سه دهه حضور در قدرت اجرایی کشور، بهانه‌هایی دارند، همچون محدودیت در رسانه‌ها- به‌ویژه رسانه ملی که غیبت خود را نشانه اول آن می‌دانند، هر چند روزنامه فراوان دارند!- محدودیت در کنش سازمان‌یافته، غیبت در نهادهای تصمیم‌گیری (اگرچه در برخی از این نهادها، هم آشکار حضور دارند، هم پنهان)، و نداشتن قدرت تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست‌های کلان. بیانه‌ای که کمیته سیاسی آنان داده است، معنای ضمنی‌اش همین است که باید کل قدرت را به دست آوریم. اما حالا برای قدم گذاشتن در این راه، به بحران‌نمایی متوسل شده‌اند.

برش‌نم این است که چرا با تغییر گفتمانی و اعتراف به خطاهای راهبردی، به تاکتیک- چنانکه در ادعای کمیته سیاسی مستتر است- آغاز نمی‌کنند؟! پاسخ فکر شده و سریع می‌تواند این باشد که تغییر گفتمانی یعنی تغییر هویت و این برای اصلاحات، تحمل‌پذیر نیست. اما اگر بیشتر فکر کنند خواهند فهمید که اعتراف به گذشته اشتباهی می‌تواند تعامل با قدرت‌های محوری نظام را هم بیشتر کند.

بخشی از اصلاح‌طلبان پس از سال‌ها به نقد علنی عملکرد گذشته رسیده‌اند و می‌کوشند به جامعه و مطالبات بخش‌های ناراضی نزدیک‌تر شوند. اما در عمل می‌بینیم وقتی حرف از مردم می‌زنند، آشکارا یک دسته خاص از مردم را می‌بینند نه همگان را، چه در بحث هنجارها، چه هنجارهای‌ها. با این حال معتقدم اگر از رویکرد صرفاً انتخاباتی عبور کنند و اگر نقد درون گفتمانی آنان واقعی و پایدار باشد و صرفاً

یک حرکت رسانه‌ای نباشد، می‌توانند به مرور زمان بخشی از سرمایه اجتماعی از دست‌رفته را که در مجموع به نفع کلیت سیاسی کشور و انتخابات‌ها می‌شود، احیا کنند. واقعیت آن است که نسل جدید ایران به شدت شکاک به سیاست جناح‌های سیاسی و جریان‌های قدیمی است و دنبال یک گفتمان ملی و اسطوره‌ای است. در بخشی از این نسل اسطوره‌ها قدیمی‌اند و در بخشی غالب دیگر اسطوره‌ها همین بهرمانان نظامی جنگ اخیر هستند. این سلام‌های نظامی و در میان نسل تازه مرسوم شده، بی‌چیزی نیست. حتی من تمایلی شدید بین نسل تازه به شهدان مطهری و بهشتی که آنان را عقلائی کم‌جایگزین می‌دانند، می‌بینم. اصلاح‌طلبان برای جلب اعتماد همین نسل بیشترین مشکل را دارند. نسل بعدی هم که نسل Z است، حقیقتاً با فضای معمول سیاسی و آن فضایی که برخی جناح‌های سیاسی برای پیشبرد امور خود به آن نیاز دارند، بیگانه و منزوی است. اصلاح‌طلبان برای جذب نسل تازه و جوانان و زنان، با این فاصله‌ای که با بدنه جامعه دارند، راهی به جایی نمی‌برند. عموم مردم، بیشتر مسئولان و سیاستور را جدای از دغدغه‌های ادبی آنان و غرق در خوشگذرانی می‌بینند. بحران آفرینی خوشگذران‌ها تناقضی عینی است.

این نسل‌سال تازه نیاز به امیدآفرینی دارند، نه بحران‌نمایی. کسی که می‌خواهد با جوانان و زنان همراه شود، اگر تفهمد که نمی‌تواند با بحران‌نمایی آنان را جذب کند، بهره‌ای از عقل سیاسی نبرده است، و کمیته سیاسی اصلاح‌طلبان چنین‌اند.



مبانی حقوقی مهریه را اصلاح کنید

■ رئیس قوه قضائیه در سفری غیررسمی به قم، با حضرات آیات عظام جوادی آملی، مکارم‌شیرازی، سبحانی و شبیری‌زنجانی دیدار کرد. مراجع عظام در این دیدار‌ها، نکاتی را مطرح کردند که مستقیماً در حوزه وظایف و مأموریت‌های دستگاه قضایی بود؛ مواردی از جمله ضرورت اصلاح مبانی فقهی و حقوقی مهریه، اطلاع‌دادرسی‌ها و ضدونقیض بودن آرای محاکم، اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز بر ضرورت مدیریت آسیب‌های اجتماعی تأکید کردند

ایران ترامپ را تحت پیگرد قرار می‌دهد

■ وزیر امور خارجه به فاصله کوتاهی از اعتراف رئیس‌جمهور امریکابه نقش «کلماسئول» ایالات متحده در حمله اسرائیل به ایران، در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت، امریکا را موظف به جبران خسارات مادی و معنوی وارد شده و پرداخت غرامت کرده است. نامه‌ای که نشان می‌دهد تهران در پی تحت پیگرد قرار دادن ترامپ به دلیل «مشارکت» در جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران است

«تغییر الگو» چاره مصرف انرژی می‌شود نه صرفاً سرمایه‌گذاری

● بهمنافقاسمی | خبرنگار گروه اقتصادی

■ ایران با داشتن ۹/۵ درصد ذخایر نفت و گاز جهان همچنان با مشکل قطعی برق و گاز مواجه بوده و این نشان دهنده ناترازی مدیریتی و سیاست‌های غلط حکمرانی انرژی در کشور است. رئیس جدید سازمان بهینه‌سازی مدیریت و راهبردی انرژی نیز به این واقعیت اذعان دارد که مردم مقرر ناترازی فعلی انرژی نیستند، بلکه رفتار مردم تابع سیاست‌های غلط حکمرانی انرژی در کشور است و چاره‌ای جز مدیریت مصرف و اصلاح الگو نداریم

لبخند طبقاتی!

● زهراپیشروی | خبرنگار گروه اجتماعی

■ از ایستگاه مترو که بیرون می‌آیم، پسر جوانی دستش را دراز می‌کند و تراکت تبلیغاتی را به دستم می‌دهد. تبلیغ یک کلینیک دندانپزشکی است که خدمات ایمپلنت ارائه می‌کند حتی قول می‌دهد لبخند شما را مانند بازیگران طراحی کند. با تمام اینها اما صاحبان این کلینیک‌ها برای می‌دانند «لبخند هالیوودی» و «لراحتی خط لبخند» برای از ما بهتران است. حتی کشیدن دندان خراب و پوسیده هم برای کارگری که حقوق ماهانه‌اش چیزی حدود ۱۵ میلیون تومان است، کار ساده‌ای نیست

بادباد کفروش پارک پردیسان عمل زیبایی انجام می‌داد!

● غلام‌حسین | خبرنگار گروه ورزشی

■ فردی به نام فرام با داشتن سایت و پیج اینستاگرامی، خود را به عنوان دکتر متخصص جراحی پلاستیک معرفی می‌کند. بررسی‌ها نشان داد فرام نه تنها پزشک متخصص و جراح نیست، بلکه تحصیلات او بیش از دیپلم نیست و هیچ سابقه پزشکی ندارد. نکته جالب و غیر قابل باور تیم تحقیق این بود که او پیش‌تر در پارک پردیسان بادباد کفروشی می‌کرده، اما تصمیم می‌گیرد با راه‌اندازی کلینیک زیبایی و دخالت در امور پزشکی، میلیاردها تومان از مشتریان کلاهبرداری کند

طلای والیبال به یاد صابر

● فریدون حسن | ادیر گروه ورزشی

■ تیم ملی والیبال ایران در دیدار نهایی بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی در ریاض بر یک ترکیه را شکست داد و به نشان طلا دست پیدا کرد. مدال طلای خود را هم به روح صابر کاظمی تقدیم کرد. والیبال بانوان هم به نشان برنز این مسابقات دست پیدا کرد. در تنیس روی میز، بانوان ایران مدال‌های طلای بخش دو نفره و انفرادی را کسب کردند که ندا شهسپوری، بانوی اول پینگ‌پنگ ایران عملکرد درخشانی داشت

